



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMAINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات عربی

موضوع:

بررسی اشعار خلیل مطران از سنت تا تجدد

استاد راهنما: جناب آقای دکتر آل بویه

استاد مشاور: علیرضا شیخی

دانشجو: سجاد باوندپور

فروردین ماه ۸۹

تقدیم بہ: پدر و مادر م

آنانکہ توانشان رفت تابه توانایی برسم و مویشان سفید کشت

تارویم سید باند.

آنانکہ فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان

سرمایہای جاودانی زندگی من است.

تقدیر و شکر:

پاس خدایی را سزا است که در گردش روزگار این بنده می حقیر را در محفل و مکتب فرزانگانی نشاند که در اوج قله‌های علم و معرفت و اخلاق آشیانه ساخته اند. و من باب حدیث: «هر آنکس که مرا کلمه ای بیاموزد، مرا عمری بنده می خود ساخته است» بهترین و صمیمانه ترین تقدیر و سپاسگزاری خود را در طبعی از اخلاص به پیشگاه آنان تقدیم می کنم و خود واقفم که این کمترین کاری است که در برابر الطاف و مهربانی های آن‌ها می توانم انجام دهم.

اما بید پاکستانی ویره و جانانه ای داشته باشم از بزرگواران و وارستگانی که با دلسوزی و اورا همی های پدرانه و با پشتیبانی و حمایت های علمی و اخلاقی خود سختی این مسیر را بر من آسان نمودند یعنی اساتید راهنا و مشاورم، آقایان دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی و دکتر علیرضا شیخی.

این دو استاد که تقدیر صرفاً استاد راهنا و مشاور من نبودند بلکه بسوهی اخلاق و فروتنی، صداقت و صمیمیت برای من بوده و همچنین از جناب آقای دکتر احمد پاشا زانوس مدیر محترم گروه ادبیات عربی و نیز دکتر سید محمد میر حسینی و دکتر ناطمیان، پاسکزارم امیدوارم همه این بزرگواران در پژوهش های علمی خویش به کامیابی و موفقیت های روز افزون دست یابند.

چکیده:

دگرگونی و تحول، یکی از سنت های زندگی است، در عین حال تحول به معنای بریدن و منقطع شدن از گذشته و سنت نیست، در بسیاری از موارد دگرگونی و تحول بر همان شالوده‌ی قدیم یا همان بنیان های گذشته بنا میشود و میتوان گفت نوآوری همان ادامه‌ی راه گذشتگان به طریقی دیگر است.

بدون تردید خلیل مطران (۱۸۷۲-۱۹۴۹) یکی از بزرگترین شاعران معاصر عرب به شمار میرود. وی اولین ساریان قافله‌ی نوآوری در شعر معاصر عربی است، مطران یکی از پرچمداران نهضت تجدد طلبی و نوآوری در شعر عربی معاصر است وی در برخی از گوشه های شعرش، به خصوص شعرهای داستانی و اشعار وجدانی تحولاتی شگرف ایجاد کرد ولی به طور کلی از ایجاد تحولی ریشه ای در شعر عربی باز ماند. وی نوآوری را به خوبی حس و درک کرد و در طی بسیاری از مقالات و سخنرانی های خود دیگران را به نوآوری دعوت میکرد اما از تطبیق گسترده - ی نظریات خود در اشعارش باز ماند

مطران معروف به شاعر القطرین و شاعر الاقطار العربیه از نوآوران عرصه‌ی شعر معاصر عربی است که شاعری سنت گرا با گرایشهایی رمانتیک و نوآورانه است و توانست با مضامین و موضوعات جدیدی از قبیل حماسه، شعرهای داستانی، شعرهای وجدانی و شوق به وطن و همچنین اسلوب متمایزش در تصویرپردازی که وارد شعر کرد تحولاتی در بعد داخلی قصیده ایجاد کند و در بعد خارجی قصیده نیز با پرداختن به مسائلی همچون وحدت ارگانیک و نوآوری در قافیه ها و خلق وزن های جدید، راه جدیدی را فرا روی شاعران بعد از خود باز کند که ردپای دو مکتب کلاسیک و رمانتیک در اشعار وی نمایان است.

کلید واژه: خلیل مطران، سنت، سنت گرای، نوآوری، شعر.

فهرست موضوعات

۱ - مقدمه

فصل اول: عصر نهضت ادبی

۴ - اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی عصر نهضت ادبی

۵ - عوامل و نشانه های نهضت ادبی

۶ - مدارس

۶ - صنعت چاپ

۷ - روزنامه و مجلات

۸ - مجامع علمی و ادبی

۸ - کتابخانه ها

۹ - نمایشنامه نویسی

۱۰ - عصر نهضت ادبی

۱۱ - مرحلهی اول تصحیح مفهوم شعر در اذهان

۱۳ - مرحلهی دوم بین سنت گرایان و نوآوران (اعتدالیون)

۱۵ - مرحلهی سوم نوآوری

۱۵ - مکتب های ادبی

۱۶ - مکتب کلاسیسم

۱۷ - نشأت کلاسیک در اروپا

۱۸ - کلاسیک در شعر عربی

۲۱ - مکتب رماتیک

۲۲ - نشأت رمانتیسم در غرب

۲۴ - رمانتیسم در ادبیات عرب

فصل دوم: زندگانی و اشعار خلیل مطران

۲۷ - زندگانی مطران

۲۸ - دوران کودکی

۲۹ - دوران تحصیل

- ۳۱ ظهور اندیشه های سیاسی و آزادی خواهانه.
- ۳۳ عزیمت به مصر.
- ۳۴ مطران و روزنامه نگاری.
- ۳۶ مطران و اقتصاد.
- ۳۶ مطران و نمایشنامه نویسی.
- ۳۹ مطران شاعر القطرین، مصری یا لبنانی.
- ۳۹ شخصیت ادبی و نقدی مطران.
- ۴۱ مطران و نقد.
- ۴۲ شعر مطران و اغراض شعری وی.
- ۴۸ آزادی و ظلم ستیزی.
- ۴۹ شعرهای مناسبی.
- ۴۹ اشعار رثاء.
- ۵۰ شوق به وطن.
- ۵۰ آثار مطران.
- ۵۲ غروب مطران.

فصل سوم: سنت گرایي در اشعار مطران

- ۵۳ سنت گرایي در اشعار مطران.
- ۵۷ طبیعت.
- ۶۳ عشق.
- ۶۸ رثاء.
- ۷۱ تبریک و تهنیت.

فصل چهارم: نوآوری در اشعار مطران

بخش اول: نوآوری در شکل و ساختار

- ۷۷ وحدت قصیده و وحدت موضوع.
- ۸۰ اشعار قصصی (داستانی).
- ۸۷ شعر منثور.

۸۸	– نوآوری در وزن و قافیه.....
بخش دوم: نوآوری و مضمون و موضوع	
۹۷	– نوآوری در مضمون.....
۱۰۱	توصیف و تصویرگری.....
۱۰۷	– آزادی خواهی و ظلم ستیزی.....
۱۱۲	– حماسه.....
۱۱۷	– شوق به وطن و بازگشت به گذشته.....
۱۲۳	– گرایش وجدانی و احساس درد و غم و اندوه.....
۱۳۲	– تأثیر مطران بر دیگران.....
۱۳۴	– نتیجه گیری.....
۱۳۶	– فهرست منابع و مأخذ.....

ادبیات عرب در تاریخ پر فراز و نشیب خود، پیوسته شاهد تغییرات و جریان‌ات مختلف

بوده است و شعر همواره نزد اعراب از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده است از همان ابتدا شاهد اشعار معلقات هستیم که شعرهایی کاملاً زیبا و متفاوت بودند که آنها را به دیوار کعبه می‌آویختند تا همگان آن را بخوانند و نیز مقارن با همین معلقات، شیوهی خاص زهیر بن ابی سلمی را میبینیم که طرفداران خاص خود را داشت همانطوری که در ادبیات دوره های گذشته دیده می‌شود شیوه ها و سبک های خاصی در هر دوره به وجود می‌آمد، بعد از این در دورهی اموی، رویکرد جدیدی با عنوان غزل عذری سر برآورد بعد از آن به عصر عباسی میرسیم که عصر شکوفایی ادبیات عرب و مکتب بدیع است که ابوتمام در رأس آن قرار داشت، اگر چه میتوان از مظاهر نوآوری در دورهی عباسی به خمریات و طردیات ابونواس نیز اشاره کرد اما همچنان پا به پای زمانه شاهد تحولات و دگرگونی‌هایی در ادبیات بوده ایم، هرچند عرب ها به ادبیات عصر عباسی میبایند و آن را دوران شکوفایی ادبیات خود میدانند و این شاید به خاطر این باشد که بعد از آن ادبیات گرفتار دوران انحطاط آمد.

همانطور که میدانید شعر باید آینهی زمانهی خود باشد، حال ادبیات مسیر خود را ادامه داد تا به عصر معاصر رسید و میبینیم که در ابتدا به نوعی از شعر یا شاعران دورهی انحطاط تقلید می‌کردند یا کمی فراتر از آن، یعنی از شعر و شاعران دورهی عباسی تقلید میکردند و اینجاست که میبینیم که شعر دیگر آینهی زمان خود نیست زیرا که اغراض و موضوعات دورهی عباسی و انحطاط یا به عبارتی دیگر زمانی غیر از زمان خود را دنبال میکردند تا اینکه شاعران معاصر به خود آمدند و به این نتیجه رسیدند که باید در اغراض و موضوعات خود تحولی شگرف ایجاد کنند. زیرا که شعر عربی همواره در قرن هجدهم به همان راه ادبیات قدیم میرفت یعنی همان روش قدیمی خود را تا روزگار درازی ادامه داد به عبارت دیگر همان تقلید خشک و مبالغه و افراط در به کار بردن صنایع لفظی، و پیوسته شعر اینان همان موضوعات قدیمی مانند ستایش حاکمان، اخوانیات و ماده تاریخ بود که به همان شیوهی سست و خالی از احساس به نظم درمی‌آمد و تصاویر شعری نیز در آنها تقلید صرف بود و همان تشبیهات و اوصاف قدیمی چون تشبیه روی معشوق به ماه و قد او چون درخت بان و مسائلی از این قبیل بود و شاید این به این خاطر بود که عرب ها میخواستند که وجود و حیثیت و شخصیت فرهنگیشان را در جهانی که نیروی بیگانه آن را تهدید میکند، تثبیت و استوار کنند از این رو به گذشتهی ادبی خود پناه میبردند و فضائل عالی و ارزش های شعری را از آن کسب میکنند و در شعرهای خود از آن الهام می‌

گیرند، از آن پس در شعر خود ویژگی‌ها و حوادث و نیازمندی‌های محیط و زمان خود را بروز می‌دادند با این وجود بارودی و دیگر سنت‌گرایان عرب با هم مکتبان خود در اروپا در این نکته با هم اشتراک دارند که بر شعر معیارهایی مطلق قائلند که در هر زمان و مکانی بر آن منطبق است و در نظرشان این قوانین و معیارها در آثار شاعران قدیم، یعنی دوران طلایی ادبیات وجود دارد، همچنانکه شاعران غرب معیارها و سرمشق‌های خود را از آثار یونان و روم گرفته‌اند بارودی و پیروان او نیز دست به دامن میراث قدیم خود به خصوص شعر دوره‌ی عباسی زدند.

مدتی از قرن نوزدهم گذشته بود که نوعی جدید و متمایز در شعر عربی پدید آمد و در

آن تا حدی تفاوت میان قالب و مضمون، یا بین اسلوب کلاسیک و تقلید از قدما و عواطف و تأثرات رمانتیک جدید احساس میشد این مکتب در عرصه‌ی انعکاسی بود از تحولی فکری و همه‌جانبه که هدفش دگرگونی، تجدد و پیروی از بسیاری از جنبه‌های زندگی اروپایی بود.

یکی از فعالان عرصه‌ی ادبیات معاصر عربی خلیل مطران (۱۸۷۲-۱۹۴۹) است که وی بر شاعران

معاصر خود عیب می‌گرفت و بر آنها می‌شورید و آنها را مورد انتقاد قرار میداد که چرا شعر در قرن بیستم همواره باید دنباله‌رو و تابع ادبیات عصر جاهلی و عباسی باشد آنها زمانه و شرایط و امکانات و نیازمندی‌های خاص خود را داشته‌اند و ما نیز زمانه و شرایط و امکانات خاص خود را داریم شکی نیست که دایره‌ی دید آنها از ما تنگ‌تر و محدودتر بوده است لذا شرایط ما کاملاً با هم متفاوت است پس باید شعر و ادب نیز از شعر و ادب آنها متفاوت باشد. وی در مقدمه‌ی

کوتاهی که بر جلد اول دیوان خود نوشت، مفاهیم و آراء تازه‌ای آورد که بعدها جزء عقاید راسخ نسل جدید شاعران شد که مهم‌ترین آن دو نکته است: یکی وحدت ارگانیک یا ارگانیک شعر و دیگری مقدم داشتن معنی یا محتوا بر الفاظ و قالب. تا زمان مطران مفهوم شعر به طور کلی،

تعدادی ابیات مستقل و مجزا از هم بود که در بهترین قصائد نیز پیوستگی آنها با هم ضعیف می‌نمود که شاید سبب آن تا حدی لزوم قافیگی واحد در تمام ابیات شعر بود، مطران از یک طرف می‌خواست که در سراسر شعر وحدت پدید آورد و از طرف دیگر مراقب بود که الفاظ وی را نفرینند و از توجه به معنی مقصود بازدارند.

گرچه شاعر خود مدتی از حیات ادبی خود را به سبک گذشتگان و یا همان مکتب

کلاسیسم (مدرسه‌ی احیا) گذرانده است و آن را لمس کرده است و شاید به طور کلی بتوان گفت حیات ادبی مطران در دو مکتب کلاسیسم و رمانتیسم خلاصه میشود، آن قسمت از اشعار وی که مربوط به مکتب کلاسیک است به خاطر همراهی و همگامی با زمانه اش بوده است اما از آنجایی

که مطران از جمله‌ی شاعرانی است که با ادبیات غرب مخصوصاً ادبیات فرانسه و مکتب رمانتیسم آشنایی داشت به ادبیات رمانتیک یا به نوعی نوآوری روی آورد و میبینیم که اغراض مظاهر و ویژگی‌های این دو مدرسه در اشعار وی نمایان است.

همانطور که میدانید جلوه‌های دو مکتب احیا و مکتب رمانتیسم در اشعار مطران نمایان است لذا این موضوعات، نگارنده‌ی این تحقیق را بر آن داشت تا به شرح و توضیح این موارد بپردازد هرچند در این راه مسائل و مشکلاتی چون کمبود منابع و وقت وجود داشته اما با توکل بر خداوند متعال این کار را آغاز نمودیم که حاصل کار و روند این تحقیق به شرح زیر است که در مجموع بر چهار فصل است.

فصل اول: به توضیحی در باب عصر نهضت ادبی و عوامل نهضت و شرایط آن و همچنین توضیحاتی در باب دو مکتب کلاسیسم و رمانتیسم پرداخته است.

فصل دوم: به بررسی زندگی شاعر و فعالیت‌ها و حوادث دوران زندگی وی و ایام تحصیل او و همچنین بررسی اغراض شعری و نیز آثار می‌پردازد.

فصل سوم: به شرح و تفصیل مظاهر سنت و سنت‌گرایی در اشعار وی اختصاص یافته است که شامل موضوعاتی سنتی همچون مناسبات و رثاء و مسائلی از این قبیل است.

فصل چهارم: در این فصل به نمونه‌ها و مظاهر نوگرایی وی یا به عبارتی به مقوله‌ی نوآوری وی پرداخته شده است که خود بر دو بخش است زیرا که نوآوری وی شامل نوآوری در مضمون و موضوع یا بعد داخلی شعر و همچنین نوآوری در شکل و ساختار شعر است که در بخش اول به نوآوری وی در زمینه‌ی موضوع و مضمون است و بخش دوم نوآوری در زمینه‌ی شکل و ساختار شعر را در بر می‌گیرد.

در پایان از مهربانی‌ها و راهنمایی‌های اساتید بزرگوaram که مرا یاری نموده و مرهون بزرگواری‌های خود نموده‌اند تشکر مینمایم.

اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی عصر نهضت ادبی:

با گذشت زمان، قلمرو وسیع عرب به تدریج کوچک و کوچک تر شد تا آنجا که در اواخر قرن هجدهم شامل عراق، بلاد عرب، مصر، سودان و مراکش بود. و شکست های پیاپی در زمینه نظامی و سیاسی باعث انحطاط ادبی نیز گشته بود، تا اینکه مصر در زمینه سیاسی معرض نهضت و انقلاب شد و مهد فرهنگ و دانش عربی گشت [مصر در آن عصر جزء قلمرو عثمانی بود] بی سوادی و جهل و عدم بهداشت و مسائل دیگر مردم را به ستوه آورده بود این وضع اسفناک ادامه داشت تا اینکه سال ۱۷۹۸م. ناپلئون به مصر حمله برد. ^۱ بعضی از خاورشناسان و نیز برخی از عرب ها همین سال یعنی حمله ناپلئون به مصر را آغاز عصر نهضت ادبی میدانند. ^۲

حمله فرانسه به مصر به عنوان مهمانی ناخوانده در اواخر قرن نوزدهم میلادی، حد فاصل بین عصر انحطاط و عصر معاصر است. توپ های ناپلئون فقط دیوارهای الأزهر را به لرزه در نیاورد، بلکه ساکنین خاور میانه را از خوابی عمیق و رؤیایی طولانی که گاهی دردآور و گاهی زیبا مینمود، بیدار کرد.

اما حمله ناپلئون فقط آنها را بیدار نکرد بلکه فعالیتهایی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نیز به دنبال داشت وی ابتدا در قاهره دست به پاره ای اصلاحات زد، به این خاطر که سربازهایش به آن زندگی ای که در پاریس و مارسی و لیون، با آن انس و الفت گرفته بودند عادت کرده بودند و در مصر هم چیزی مثل آن را میخواستند. بنابراین شروع کرد به توسعه راه ها، درمانگاه ها، بیمارستان ها، بسط خیابان ها و نیز ایجاد یک مجلس شورای حل اختلاف که متشکل بود از فرهنگی ها و بزرگان و تاجران، که بعضی قوانین را جهت اداری شهر وضع میکردند و چشم مردم را بر حقوقشان باز می کردند.

با حمله ناپلئون زنان فرانسوی به هر دلیلی با لباس های اروپایی به خیابان ها میآمدند و با مردان در کوچه و خیابان ارتباط داشتند، کم کم به تبعیت از آنها، بعضی زنان اصلی این سرزمین نیز چنین میکردند و با مردان اروپایی ازدواج میکردند و با همسران اروپاییشان خارج میشدند و هر آنچه

^۱ - زیات، احمد حسین، تاریخ الادب العربی، بیروت، دارالثقافة، دون تاریخ، ص ۴۱۵.

^۲ - شکیب انصاری، محمود، تطور الأدب العربی المعاصر، چاپ چهارم، انتشارات دغانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۴ش،

را که زنان اروپایی انجام میدادند اینان نیز انجام میدادند و این اولین گامی بود که آن را آزادی زن مینامیدند.

اما از لحاظ فرهنگی، انجمن [فرهنگستان] علمی مصر به تقلید از انجمن [فرهنگستان] علمی فرانسه که چهار گروه بودند تشکیل شد، که در باب ریاضیات، طبیعیات، اقتصاد سیاسی و هنر و ادبیات بحث میکردند. که در آن سی و شش دانشمند ممتاز فرانسوی حضور داشتند و تحقیق شاملی در مورد مصر به عمل آوردند و کتابی بزرگ در نه جلد از خود به جای گذاشتند، برای اولین بار در مصر چاپخانه ای عربی برای انتشار مقالات سیاسی و بعضی روزنامه ها و کتاب های فرهنگی تأسیس شد.^۳

عوامل و نشانه های نهضت ادبی

عوامل نهضت ادبی در کشورهای عربی زیاد است، بدین ترتیب در رگ های مردم خون نشاط و سرزندگی جاری شد و مردم در صدد از بین بردن موانع موجود بر سر راه آزادی و پیشرفت برآمدند و اوضاع سیاسی و اجتماعی در مصر دگرگون شد. اما در لبنان زمان «امیر بشیر» یعنی سال های (۱۷۸۹- ۱۸۴۰) عهد شکوفایی است، چرا که دربار امیر مملو از ازدحام شعرا و نویسندگانی مثل «نقولا ترک» و «پطرس کرامه» و «ناصر الیازجی» بود که در مجالس مناظره نیز شرکت میکردند و بعد از دوران شهابی ها، آشفتنگی و ناآرامی در لبنان شروع شد و فتنه های داخلی بالا گرفت تا اینکه به حوادث سال ۱۸۶۰ م. که منجر به استقلال لبنان شد، منتهی گردید. مدارس شکوفا شدند و فرهنگ و ادب در حال گسترش بود، اگر چه در همین زمان برخی محدودیت ها و فشارها در مقابل آزادی روزنامه ها وجود داشت و بعد از آن به علت ظلم سلاطین عثمانی فقر سرزمین لبنان را در برگرفت و بعضی از آنها به کشورهای آمریکایی و مصر مهاجرت کردند و در آنجا نیز نهضت ادبی نقش خود را ایفا میکرد.

وقتی سلطان عبدالحمید به تخت سلطنت نشست، راه استبداد و طغیان در پیش گرفت و با ظلم و فسادش مردم را قتل عام میکرد و سعی داشت دهان اصلاح طلبان و روشنفکران را ببندد که در سرزمین های عربی به وضع قانون اساسی دعوت میکردند، تا امور سلطنت را سامان بخشد. قیام نمایندگان مجلس طغیان عبدالحمید را تشدید میکرد، تا اینکه در سال ۱۹۰۸ م. قانون اساسی اعلام شد و این حرکت پژواک بزرگی در سرزمین های عربی داشت.^۴

^۳ - الکفراوی، محمد عبدالعزیز، تاریخ الشعر العربی، ج ۴، چاپ اول، قاهره، دار نهضة مصر، ۱۹۷۱، ص ۱۶۲.

^۴ - الفاخوری، حنا، تاریخ الأدب العربی، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۰، ص ۹۰۲.

حال در اینجا به عوامل و نشانه های نهضت در کشورهای عربی اشاره میشود و میبینیم که چگونه این حرکت بر تمامی جریان های مخالف غلبه کرد و خوشایند ترین تجربه را چه در وطن و چه در مهاجر به دنبال داشت.

مدارس

مدارس بزرگ ترین نقش را در پیشرفت کشور و انتشار علم و دانش داشتند و در تمامی سرزمین های عربی در حال افزایش بودند و پیوسته تا امروز در رشته های مختلف به وظیفه خود عمل کرده اند.

اما در لبنان مدارس قدیمی دو نوعند: یکی مدارس بیگانگان و دیگری مدارس ملی. از قدیمی ترین مدارس خارجیان « مدرسه عینطوره» است که « پاپ پطرس مبارک» لبنانی در سال ۱۷۳۴ م. آن را تأسیس کرد و تمام شئون آن را به فرستادگان مسیحی واگذار کرد. دیگری «مدرسه عالی عتبه» است که در سال ۱۸۷۴ م. تأسیس شد و دکتر «کرنیلیوس واندیک» آن را اداره می کرد، و دیگری «مدرسه غزیر» بود که مسیحی ها در سال ۱۸۴۷ م. آن را ساختند و بعد از سال ۱۸۶۰ م. مدارس بیگانگان رو به فزونی نهادند و از مشهورترین آنها «الجامعة الأمريكية» است که در سال ۱۸۶۶ م. ساخته شد و دیگری «الجامعة اليسوعية» است که در سال ۱۸۷۴ به بیروت منتقل شد. اما مدرسه های ملی که از قدیمی ترین و مشهورترین آنها میتوان از مدرسه « عین ورقه» نام برد که یک دیر بود که بعدها اسقف «یوسف اسطفان» در سال ۱۷۸۹ م. آن را به مدرسه تبدیل کرد که مادر مدارس ملی این سرزمین بود که در آن زبان های سریانی، لاتین، ایتالیایی، عربی، بیان، عروض، منطق، فلسفه، و حقوق تدریس میشد. و دیگری « المدرسة الوطنية» است که پطرس بستانی آن را بنا نهاد، و از مدارس دیگر « المدرسة البطريركية» ی کاتولیک ها و نیز « مدرسة ثلاثة الأعمار» ارتودوکس ها و « مدرسة الحكمة». « الكلية العثمانية الإسلامية» و ... که بسیار زیادند که به همین حد اکتفا میشود.^۵

صنعت چاپ

^۵ - الاشر، عبدالکریم، التعرف بالثر العربی الحدیث، دمشق، مطبعة ابن حیان، ۱۹۸۳، صص ۵ و ۴.

صنعت چاپ از بزرگترین وسایل انتشار معارف و معلومات و اطلاعات بین تمامی طبقات جامعه است که در قرن پانزدهم میلادی اختراع شد و حروف عربی برای چاپ در سال ۱۵۱۴. در شهر «وانو» ایتالیا به وجود آمد.^۶ و اولین کتاب عربی ای که چاپ شد کتاب «اورولوجیون» معروف به «السواعیة» است که نماز ساعت های مختلف در کلیساهای مسیحی بیزانس را در بر میگرفت.^۷

در نیمه های قرن شانزدهم بود که استانبول صنعت چاپ را شناخت و اولین چاپخانه ای که وارد کشورهای عربی شد چاپخانه ای بود در «دیر قزحیا» در لبنان، که در سال ۱۶۱۰ م. احداث شد و کتاب های عربی در آن با حروف کرشونی چاپ میشد. اما سوریه اولین کشوری است که با حروف عربی کتاب های خود را به چاپ رساند. و صنعت چاپ در سال ۱۷۰۲ م. وارد حلب شد و اسقف اتناسیوس چهارم وسایل آن را فراهم نمود و حروف عربی این چاپخانه را «الشماس عبدالله الزاخز» ساخت و اولین کتابی که در این چاپخانه به چاپ رسید «مزامیر داوود نبی» بود، و نیز در سال ۱۸۲۱ م. محمد علی پاشا چاپخانه ای ملی به نام «بولاق» را تأسیس کرد.^۸

روزنامه و مجلات

روزنامه ظهور خود را مدیون صنعت چاپ است، مصر اولین خاستگاه روزنامه نگاری غربی است. و در سال ۱۸۲۸ م. «الوقائع المصرية» در زمان محمد علی پاشا تأسیس شد که روزنامه ای رسمی بود و حوادث و اخبار حکومت را به زبان ترکی و سپس عربی منتشر میکرد که بعدها کلاً به زبان عربی منتشر میشد.

در سال ۱۸۵۵. «رزق الله حسون» حلبی در قسطنطنیه دو هفته نامه ای سیاسی تحت عنوان «مرآة الأحوال» را تأسیس کرد که در آن حوادث جنگ « کریمه» بین روسیه و عثمانی را شرح می داد. و در حقیقت روزنامه نگاری عربی به دست لبنانی ها راه اندازی شد، به محض اینکه خبر این صنعت جهانی به گوش آنها رسید با همتی والا به آن روی آوردند. خلیل الخوری « حدیقة الأخبار» را در سال ۱۸۵۸ در لبنان تأسیس کرد. و احمد فارس شدیاق نیز در سال ۱۸۶۰ «الجوائب» را راه اندازی

^۶ - زیات، احمد حسن، تاریخ الأدب العربی، بیروت، دارالثقافة، دون تاریخ، ص ۴۲۳.

^۷ - الفاخوری، حنا، تاریخ الأدب العربی، ص ۹۰۶.

^۸ - الأشر، عبدالکریم، التعریف بالثر العربی، ص ۱۱. / ضیف، شوقی، الأدب العربی المعاصر، فی مصر، الطبعة العاشرة، قاهرة،

کرد که روزنامه ای سیاسی بود که در تمام سرزمین های عربی انتشار مییافت، و معلم پطرس البستانی نیز در سال ۱۸۶۰ «نفر سوریا» را راه اندازی کرد، که در آن لبنانی ها و سوریه ای ها را به برادری و اتحاد دعوت میکرد.^۹

مجامع علمی و ادبی

مجامع علمی و ادبی در سرزمین های عربی رو به افزایش بود و از عوامل پیشرفت و علم و فرهنگ بود، زیرا ادیبان و عالمان را به بحث و تبادل نظر و میداشت و برای آنها شیوه های درس و بحث را تشریح مینمود، سپس راه موفقیت را پیش روی آنها میگشود، که ابتدا در لبنان شروع شد و در بیروت در سال ۱۸۴۷ م. «الجمعية السوریة» با تلاش های فرستادگان آمریکایی شکل گرفت که هدف آن پیشرفت علوم و نشر فنون و فعال سازی عوامل آن بود و از اعضای آن می توان به شیخ ناصیف الیازجی، المعلم پطرس البستانی و دیگر نویسندگان و متفکران، اشاره کرد و سپس «الجمعية العلمية السوریة» در بیروت شکل گرفت که دولت عثمانی آن را در سال ۱۸۶۸ م. به رسمیت شناخت و از مسئولان آن میتوان به «الحاج حسین بیهم» اشاره کرد.^{۱۰} به دنبال آن در سال ۱۸۸۲ در بیروت «المجمع العلمي الشرقي» پا به عرصه وجود گذاشت و از اعضای آن میتوان به «یعقوب صروف» و «الشیخ ابراهیم الیازجی» اشاره کرد، اما طولی نکشید که دولت عثمانی به آن بدبین شد و عرصه را بر اعضایش تنگ کرد و مجمع در همان اوایل نشأتش از هم پاشید.

و این گونه بود که اندیشهی انجمن های فرهنگی در تمام سرزمین های عربی انتشار یافت و اولین مجمع علمی ادبی در مصر در سال ۱۸۶۸ شکل گرفت.^{۱۱} همچنان که در آن انجمن های زیادی شکل گرفت که به شرح آنها نمیپردازیم.

کتابخانه ها

^۹ - الفاخوری، حنا، ص ۹۰۹/الأشتر، عبد الکریم، ص ۱۲.

^{۱۰} - زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، المجلد الثاني، لبنان، دارمکتبة الحیاة، ۱۹۹۲م، ص ۴۲۹./شکیب انصاری، محمود، تطور الأدب العربی المعاصر ص ۴۲.

^{۱۱} - الفاخوری، حنا، ص ۹۱۰./ زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، ص ۴۳۳.

سرزمین های عربی از زمان های دور با کتابخانه ها آشنا شدند، ظلم ستمگران و نادانی غافلان را که منجر به نابودی کتابخانه ها میشد، میشناسند و از نتایج ارتباط و اتصال عرب ها با غرب این بود که عده ای از بزرگان و با همتان به احداث کتابخانه های خصوصی و عمومی و تنظیم آنها به روشی جدید و انتشار فهرست ها دست بزنند که این خود مطالعه و داخل شدن در سرچشمه ی علم و معرفت را آسان تر میکند.

از مشهورترین کتابخانه ها «المکتبة الظاهرية» در دمشق است که در سال ۱۸۷۸ م. تأسیس شد و تعداد زیادی نسخه ی خطی نفیس و با ارزش در آن یافت میشود، و دیگر «المکتبة الأزهرية» است که در سال ۱۸۷۹ م. تأسیس شد.^{۱۲} و همچنین «المکتبة الشرفية» در بیروت است که پاپ های مسیحی آن را در سال ۱۸۸۰ م. احداث کردند که از غنی ترین کتابخانه های مشرق زمین است. و نیز میتوان به «مکتبة جامعة بیروت الأميركية» اشاره کرد که با همین دانشگاه تأسیس شده و در سایر کشورهای عربی کتابخانه های زیادی وجود دارد، مخصوصاً بغداد که در آن بیش از ۳۰ کتابخانه وجود داشت.^{۱۳}

نمایش نامه نویسی

فن نمایشنامه نویسی نیز در انتشار فرهنگ و هنر نقش بسزایی ایفا کرد. نمایشنامه، عرضه و نمایش رویدادی تاریخی و یا خیالی در تئاتر است که به وسیله اشخاصی که اعمال و کارهای آنان با واقعیت در ارتباط است صورت میپذیرد.

بنابراین نمایشنامه هنری است که در عرصه ی وسیعی واقعیت های زندگی را به نمایش می گذارد، به طوری که تقلید او مقید به زمان و مکان خاصی نیست و نویسنده، عناصری محکم از زندگی را انتخاب میکند، چه شخصیتها و چه رویدادها، و بین آنها در ذهن خود نوعی پیوند برقرار میکند و آنها را در عالمی تخیلی به سوی نهایت و سرانجامی حتمی و اجباری حرکت میدهد و برای ما تصویری بیشائبه از زندگی ارائه می دهد.

هنر نمایشنامه نویسی بر دو قسم تراژدی و کمدی است. ادب عربی از هنر نمایشنامه نویسی به دلایلی خالی بود و این روند تا ورود ناپلئون به مصر ادامه داشت. در بین سپاهیان ناپلئون دو هنرمند و

^{۱۲} - زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربية، ص ۴۶۳.

^{۱۳} - الأشر، عبدالکریم، ص ۱۵ / الفاخوری، حنا، ص ۹۱۵.

موسیقی دان وجود داشتند که گاهی برای سرگرمی نظامیان، بعضی از نمایشنامه ها را اجرا می کردند، اما این اجرا به زبان عربی نبود.

در نیمه های قرن نوزدهم فردی به نام « مارون نقاش » در لبنان، که به کشورهای اروپایی مخصوصاً ایتالیا رفته بود و از نمایشنامه های آنجا چیزهایی دیده بود که اثر عمیقی در ذهنش برجای گذاشته بود، هنگامی که به لبنان برگشت روایت «البخیل» نوشته «مولی» فرانسوی را به عربی برگرداند و عدهای از دوستان خود را جمع کرد و آنها را آموزش داد و در سال ۱۸۴۸ م. آن را در منزلش اجرا کرد و این حرکت وی انعکاسی قوی پیدا کرد به طوری که خبر آن در روزنامه های اروپا منتشر شد، این خود به نقاش روحیه و نشاط میبخشید و بعد خودش روایت «ابی حسن المغفل أو هارون رشید» را نوشت و آن را در سال ۱۸۵۰ م. در خانه اش مقابل والی سوریه و برخی دیگر از رجال سیاسی به نمایش گذاشت و سپس در کنار خانه اش تماشاخانه ای احداث کرد و در آن روایت «حسود» را به نمایش درآورد. اما شیخ «خلیل الیازجی» اولین نویسندهی روایت نمایشنامه های در شعر عربی است، و روایت مشهور وی همان « المروءة و الوفاء » است، که در سال ۱۸۷۸ م. در بیروت به نمایش درآمداز دیگر نام آوران در عرصهی نمایشنامه نویسی میتوان به « سلیم نقاش » و «ادیب اسحاق» و «جورج ابیض» ، و نیز در این اواخر به «احمد شوقی» و «سعید عقل» اشاره کرد.^{۱۴}

عصر نهضت ادبی

شعر قبل از نهضت به نوعی دچار ضعف و رکود شده بود، و این به خاطر موروثاتی بود که از عصر انحطاط به آن رسیده بود. ضعف در شعر از نثر نمایان تر بود، چرا که شعر بر پایی زیبایی فنی استوار بود در حالی که در این دوره از آن زیبایی فنی به دور مانده بود و جای آن راه، زیبایی فنی و صنایع لفظی گرفته بود، تا اینکه خورشید نهضت طلوع کرد و شرق چشمانش را بر انحطاطی که آن را در بر گرفته بود باز کرد و زیبایی فنی را به واسطهی ارتباطش با فرهنگ و عقلانیت غرب شناخت و در صدد برآمد تا سطح شعر و ادب خود را بالا ببرد و در این راه چندین مرحله را طی کرد که در این مجال به آنها پرداخته خواهد شد.

بی شک نهضت ادبی در شعر عربی به وسیلهی «محمود سامی بارودی» که در نیمهی قرن نوزدهم، پرچم آن را برافراشت، شروع شده است. اگر نگاهی کلی به مسیر شعر در طول این دوره

^{۱۴} - الفاخوری، حنا، تاریخ الادب العربی، ص ۹۱۹. / زیدان، جرجی، ص ۵۰۲.

بیندازیم خواهیم دید که شعر در مسیر خود سه مرحله را پشت سر گذاشته است و در طول این سه مرحله، به طور طبیعی شاهد نوآوری‌ها و تغییراتی در شعر خواهیم بود و شایسته است که در چنین عصری شاهد این تغییرات و نوآوری‌ها باشیم که آنها را مرهون ادبیات غرب است. و این جریان‌های غربی به عنوان عامل محرکی برای نوآوری در محیط عربی بوده است که در اینجا به این مراحل اشاره میشود.

دکتر کفراوی در کتاب خود «تاریخ الشعر العربی» سه مرحله‌ی دوران نهضت را این گونه نامگذاری کرده است:

۱. مرحله‌ی اول: مرحله‌ی بازگشت ساختار شعر عربی و تصحیح مفهوم آن در ذهن شعرا، که بارودی پرچمدار این مرحله است و این مرحله و این نسل کار خود را از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی شروع میکنند.
۲. مرحله‌ی دوم: مرحله‌ی درگیری و نزاع بین شرق و غرب، که در آن شعرا به سه دسته تقسیم می‌شوند، اول، دسته‌ی عربی شرقی که در رأس آنها «علی الجارم» قرار دارد و دوم، دسته‌ی اروپایی عربی، که اصحاب آن عبارت است از عقاد، شکری، مازنی، و سوم، دسته‌ی مصری میانه رو، که راهی وسط این دو مدرسه را در پیش گرفتند مثل شوقی و حافظ.
۳. مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی ای که، در آن شدت نزاعی که قبلاً رواج داشت کاهش یافت و شاعران از نتیجه‌ی آنچه نزد شرقی‌ها و غربی‌ها حاصل شده بود بهره بردند و هر شاعری هر روشی را که می‌پسندید در پیش می‌گرفت، مثل ابراهیم ناجی و احمد زکی ابوشادی و^{۱۵}

مرحله‌ی اول، تصحیح مفهوم شعر در ذهن شاعران [قیام و

بیداری]:

دکتر کفراوی در کتاب تاریخ شعر عربی خود میگوید: «من کلمات این عنوان را عمداً برای نامگذاری این دوره برگزیده‌ام، گرچه نیک میدانم که دیگران این مرحله را مرحله‌ی احیای میراث شعر عربی قدیم مینامند و من این نامگذاری را قبول ندارم، زیرا که زنده کردن مستلزم این است که قبل از آن مردن و مرگی وجود داشته باشد و شعر عربی در هیچ برهه و زمانی جان خود را از دست

^{۱۵} - الکفراوی، محمد عبدالعزیز، تاریخ الشعر العربی، ص ۱۶۹.

نداده، بلکه پیوسته در طول زمان اصحاب و یارانی داشته است و ما نمونه های زیبایی از اشعار این دوره یعنی شاعران قرن دهم تا سیزدهم [هجری] را می بینیم که خود دلیلی بر این مدعاست گرچه شعر در این چند قرن دچار سختی و بلا شد اما شاعرانی مثل « احمد الشاهینی » و « شهاب الدین الخفاجی » در قرن یازدهم می زیسته اند که خیلی از سامی بارودی، که احیای شعر را به وی نسبت داده اند، عقب نمانده اند. اما عرصه ادب قبل از بارودی پر از مدعیان شعر و ادب بود که خود را در عالم شعر و شاعری میانداختند و جز ساختارهایی ساده که غالباً در قالب محسنات بدیعی بود چیزی نمی دانستند و صدای شاعران ماهر و حقیقی در میان ازدحام این عدهی انبوه گم میشد. تا آنجا که چنین به ذهن مردم خطور میکرد که شعر همان معادلات جبری است که « شیخ الدریش » و دیگران می سرودند، تا این که سامی بارودی با شخصیت ممتاز و جایگاه اجتماعی والا و موضوعات مهم و اسلوب محکم و استوارش به میدان آمد، که مردم به او و ویژگی های شعریش توجه خاصی داشتند و دریافتند که شعر همانی است که بارودی و امثال وی میسریند. و عامل دیگر بالا رفتن میزان آگاهی عمومی در میان مردم است که در این سرزمین ها زندگی میکنند، که خود بارودی یکی از نتایج این پیشرفت علمی است و این پیشرفت فکری با بارودی هم صدا شدند تا صدای محکم شعر و وجدانی را که مدتی است به خواب غفلت و فراموشی رفته است بالا ببرند.^{۱۶}

در همین مرحلهی اول از نهضت ادبی است که مرحلهی بیداری و قیام و انقلاب در افکار و موضوعات و خیالات و اسلوب های قدیمی است که خود به دو مرحله تقسیم میشود.

۱. مرحلهی تقلید از شاعران دورهی انحطاط:

نهضت ادبی در ابتدای امرش نوعی نهضت تحصیلی بود زیرا که مردم به فراگیری علوم و فرهنگ روی آوردند و شعر در این مرحله، آن چنان پیشرفتی را تجربه نکرد زیرا که پل میان دورهی انحطاط و نهضت شده بود و شعرا به سرایندگی روی آوردند در حالی که از اسلوب های غربی اطلاعی نداشتند و بر شعر عربی هم چندان مسلط نبودند که آنها را از ضعف و رکاکت باز دارد. تقلید میکردند و در حالی که انحطاط در آثارشان موج میزد و شعرشان سرشار از ضعف و رکاکت در تعبیر بود، از مشهورترین شاعران این دوره می توان به نقولا ترک « ۱۸۲۸ » و « پطرس کرامه » « ۱۸۵۱ » در لبنان و اسماعیل خشاب « ۱۸۱۵ » و شیخ حسن

^{۱۶} - الکفراوی، محمد عبدالعزیز، تاریخ الشعر العربی، ص ۱۷۱.